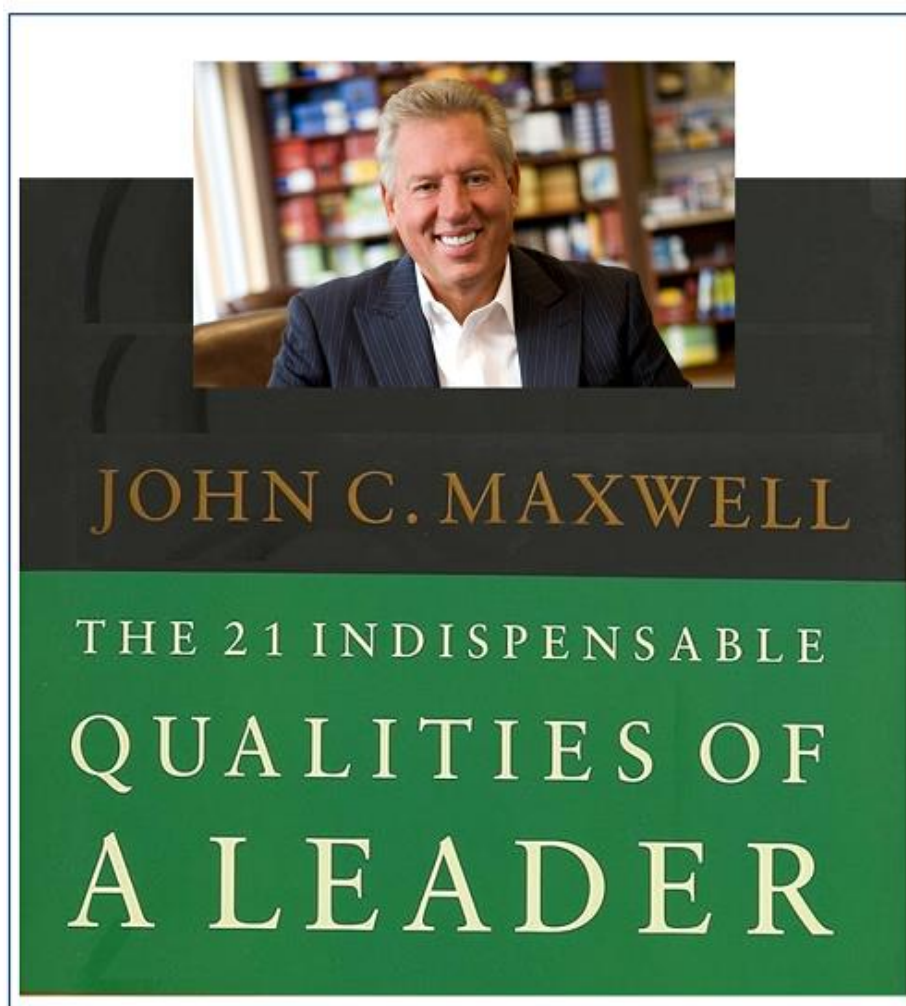




بیست و یک صفت بایسته یک رهبر

جان سی. ماکسول

فصل ۱۶

مسئولیت: اگر وارد گود نشوید نمی توانید دیگران را رهبری کنید.

به نام خداوند بخشنده و مهربان

هر موفقیت شایان توجهی مستلزم قبول مسئولیت است. می‌توان گفت کیفیتی که همه افراد موفق از آن بهره دارند توانایی قبول مسئولیت است.

مایکل کوردا، سردبیر مجله سیمون و شوستر

رهبر می‌تواند همه چیز را از دست بدهد جز مسئولیت نهایی را.

جان ماکسول

بازگشت به آلامو

در اواخر سال ۱۸۳۵ گروهی از شورشیان در "سان آنتونیوی" منطقه "تگزاس" دژی را به محاصره درآوردند. در پایان سال سربازان مکزیکی داخل دژ تسلیم شدند و آن را به شورشیان سپردند و خود روانه جنوب شدند. نام کلیسای قدیمی آن قلعه، "آلامو" بود. این اقدام زمینه را برای یک سلسله عملیات قهرمانی در تاریخ آمریکا فراهم ساخت. نبردی که در ماه فوریه و مارس سال بعد در آن‌جا در گرفت ماجرابی است که نقش مسئولیت را به خوبی به نمایش می‌گذارد.

نبرد در "آلامو" میان آمریکاییان ساکن قلعه و ارتش مکزیک امری اجتناب ناپذیر بود. مدت ۲۵ سال شهروندان "تگزاس" در تلاش بودند که از دولت مکزیک جدا شوند و به استقلال برسند اما هر بار سربازان مکزیکی شورشیان را به سرعت سرکوب کرده بودند اما این دفعه وضع فرق می‌کرد. قلعه این بار در تسخیر ۱۸۳ داوطلب مصمم از جمله "ویلیام تراویس"، "دیوی کروکت" و "جیم باوی" بود. شعار این گروه دریا مرگ یا پیروزی خلاصه می‌شد.

در اواخر فوریه چند هزار سرباز مکزیکی به فرماندهی "آنتونیو لویز دو سانتا آنا" به "سان آنتونیو" حمله کردند و "آلامو" را به محاصره درآوردند. وقتی سربازان مکزیکی شرایط تسلیم شدن را به شورشیان ابلاغ کردند، شورشیان با رد این پیشنهاد محکم بر مواضع خود ایستادند و وقتی سربازان مکزیکی به آنها گفتند که به آنها رحم نخواهد شد و دیناری دریافت نخواهند کرد، باز هم شورشیان بر مواضع خود ایستادند. وقتی قطعی شدن جنگ مشخص شد تگزاسی‌ها مرد جوانی را فرستادند تا برای آنها نیروهای کمکی بیاورد نام این مرد جوان "جیمز بونهام" بود. او شبانه از در خارج شد، ۹۵ مایل رفت تا برای دریافت کمک به "گولیا" رسید. اما وقتی به آنجا رسید به او گفتند که سربازی در اینجا مستقر نیست.

به مدت ۱۱ روز "سانتا آنا" قلعه "آلامو" را به توپ بستند. در تاریخ ۶ مارس ۱۸۳۶ ارتش مکزیکی به قلعه یورش برد. در پایان آن جنگ حتی یکنفر از ۱۸۳ شورشی جان سالم به در نبرد، هر چند آنها توانستند ۶۰۰ سرباز مکزیکی را به قتل برسانند.

اما بر سر "جیمز بونهام" چه آمد؟ "بونهام" می‌توانست راهش را بگیرد و برود اما احساس مسئولیت او بیش از اندازه زیاد بود. او با اسبش به "آلامو" برگشت از خطوط دشمن گذشت به هم رزمایش پیوست، همراه با آنها جنگید و همراه با آنها جانش را از دست داد.

با آنکه شورشیان در این جنگ شکست خوردند، نبرد "آلامو" نقطه عطفی در جنگ با مکزیکی‌ها شد. دو ماه بعد تگزاس به استقلال رسید.

موشکافی

آیا در جامعه امروز آمریکا آن احساس مسئولیت "جیمز بونهام" و هم‌زمان او را مشاهده می‌کنید؟ امروز مردم بیش از آن که به مسئولیت‌های خود توجه داشته باشند، به حقوق خود توجه دارند. با توجه به نگرش‌های جاری دوستم "هارون رابینسون" می‌گوید: اگر می‌خواهید ثروتمند شوید در قربانی شدن سرمایه‌گذاری کنید.

این پررشدترین صنعت موجود در آمریکاست. به اعتقاد وی میلیون‌ها انسان با شناسایی، نماینده شدن، مصاحبه کردن، تهدید کردن، بیمه کردن و مشاوره کردن با قربانیان درآمد کسب می‌کنند. اما رهبران خوب هرگز روحیه قربانی بودن ندارند. آن‌ها می‌دانند که مسئولیت شرایط موجود متوجه خودشان است و آن را به گردن والدین، همسر، فرزندان، دولت، رؤسا و یا کارکنان و همکاران خود نمی‌اندازند. آن‌ها با هر پیشامدی در زندگی روبه‌رو می‌شوند و این را خوب می‌دانند که کافی است وارد گود شوند تا تیم خود را رهبری کنند.

نگاهی به ویژگی‌های اشخاصی که از مسئولیت فراوان بهره دارند بیندازید:

• آن‌ها کار را به انجام می‌رسانند

دکتر "توماس استانلی" استاد دانشگاه "جورجیا" در مطالعه‌ای درباره میلیونرهای خود ساخته به این نتیجه رسید که همه این اشخاص در یک ویژگی مشترک هستند: آن‌ها پرتلاشند و زیاد کار می‌کنند. از یکی از این میلیونرها سؤال شد که چرا روزی ۱۲ تا ۱۴ ساعت کار می‌کند. او جواب داد: **پانزده سال برای یک مؤسسه بزرگ کار کردم و به این نتیجه رسیدم که برای بخور و نمیر باید روزی هشت ساعت کار کرد و اگر تنها روزی هشت ساعت کار کنید، از گرسنگی نمی‌میرید اما هر اندازه از هشت ساعت بیشتر کار کنید، در آینده خود سرمایه گذاری کرده‌اید. کسی نمی‌تواند حداقل ساعات کار را داشته باشد و به شرایط مطلوب برسد. اشخاص موفق احساس می‌کنند که برای خودشان کار می‌کنند. اگر می‌خواهید به دستاوردهای بالاتر برسید و نزد پیروان خود کسب اعتبار کنید این ذهنیت را رعایت کنید.**

• آن‌ها مایل هستند که مایل اضافه را طی کنند

اشخاص مسئول هرگز نمی‌گویند این وظیفه من نیست. آنها هر کاری را که برای سازمان‌شان لازم باشد انجام می‌دهند اگر قصد موفقیت دارید، باید سازمان خود را مقدم بر خواسته‌های خود در نظر بگیرید.

• آن‌ها به بهترین‌ها فکر می‌کنند

کمال‌خواهی عامل انگیزه دهنده بسیار بزرگی است. کسانی که به بهترین‌ها می‌اندیشند و برای رسیدن به آن تلاش می‌کنند، تقریباً همیشه رفتار مسئولانه‌ای دارند وقتی با تمام وجود از خود مایه می‌گذارند و در آرامش زندگی می‌کنند. "جیم رون" کارشناس موفقیت می‌گوید: استرس وقتی به سراغ‌تان می‌آید که کمتر از حد خود عمل می‌کنید. اگر کیفیت عالی را هدف خود قرار دهید مسئولیت خود به خود از راه خواهد رسید.

• بدون توجه به موقعیت تولید می‌کنند

کیفیت غایی انسان مسئول توانایی او در تمام کردن و به انجام رساندن امور است. "ریچارد ایوانز" در کتاب جاده باز می‌نویسد: **چقدر ارزشمند است آدم فردی مسئولیت‌پذیر پیدا کند، کسی که کار را تمام کند و خاطرم‌ان از او جمع باشد که برای هر کاری که بر عهده‌اش می‌گذاریم سنگ تمام می‌گذارد.** اگر می‌خواهید رهبری کنید باید کارآیی داشته باشید.

به این موضوع فکر کنید

"ژیلبرت آرلند" می‌نویسد وقتی یک تیرانداز به هدف نمی‌زند، برای یافتن علت عدم موفقیتش به خودش نگاه می‌کند. **ناکامی در زدن هدف هرگز تقصیر هدف نیست.** برای بهبود بخشیدن هدف‌تان باید خودتان را بهبود بخشید.

آیا وقتی پای مسئولیت به میان می‌آید، به هدف فکر می‌کنید؟ آیا دیگران شما را تمام‌کننده کار می‌دانند؟ آیا در شرایط فشار، چشم‌امید مردم به شماست؟ آیا به بهترین شهرت یافته‌اید؟ اگر عملکرد شما در سطح عالی نیست احتمالاً به احساس مسئولیت بیشتری احتیاج دارید.

راه دست‌یابی

برای بهبود بخشیدن به مسئولیت خود اقدامات زیر را انجام بدهید:

• مداومت به خرج دهید

گاه ناتمام گذاشتن کارها ناشی از نداشتن مداومت است. این بار وقتی خود را در موقعیتی می‌یابید که نمی‌توانید در زمان تعیین شده کارتان را انجام دهید یا وقتی در معامله‌ای بازنده می‌شوید و یا نمی‌توانید مسئله‌ای را از میان بردارید لحظه‌ای صبر کنید و ببینید که چگونه باید به موفقیت برسید. آیا می‌توانید شب‌ها کار کنید؟ آیا می‌توانید از یکی از همکاران خود کمک بگیرید؟ آیا می‌توانید کسی را استخدام کنید؟ خلاقیت می‌تواند مسئولیت را به زندگی راه دهد.

• آن‌چه را که به اندازه کافی خوب نیست، اذعان کنید.

اگر برای رسیدن به سطح بهترین‌ها با مشکل روبه‌رو هستید علتش شاید این است که سطح معیارهای خود را پایین‌تر آورده‌اید به زندگی خود نگاه کنید و ببینید کجا این کار را کرده‌اید بعد تغییراتی بدهید و معیارهای بالاتری وضع نمایید می‌توانید میل رسیدن به بهترین‌ها را بالاتر ببرید.

• ابزار بهتری انتخاب کنید

اگر متوجه شدید که معیارهای سطح بالا دارید نگرش‌تان خوب است و از استمرار و مداومت کافی هم بهره دارید و با این حال به آن‌چه می‌خواهید نمی‌رسید، خودتان را مجهزتر کنید. در کلاس‌های بیشتری شرکت کنید، کتاب‌های بیشتری بخوانید به نوارهای بیشتری گوش بدهید. برای خود مشاور و مرشدی پیدا کنید هر کاری را که از دست‌تان ساخته است انجام بدهید.

نمونه موردی

یکی از زندانیان زندان‌های ایالت "کالیفرنیا" فرار خود را از زندان این‌گونه برای معاون کلانتر توضیح داد: داشتم پرش با نیزه تمرین می‌کردم به قدری به دیوار نزدیک شدم که روی دیوار افتادم. وقتی به خودم آمدم سعی کردم دوباره راه برگشت به زندان را پیدا کنم اما از آن جایی که با این منطقه آشنا نبودم گم شدم. بعد دیدم که به شیکاگو رسیده‌ام.

مردم تا وقتی به عذر و بهانه دیگران گوش نداده‌اند به ندرت متوجه این می‌شوند که توجیهات و عذر و بهانه‌های‌شان چقدر ضعیف است.

دکتر علی اصغر صفری فرد

نویسنده، مشاور و مدرس

توسعه مهارت‌های مدیریتی

۰۹۱۲۲۱۳۷۱۴۴